



پنج‌شنبه 27 تیر 1392-9-رمضان 1434-18-جولای 2013

پذیرش رسمی قطعنامه 598 شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران (1367 ش) ...

27 تیر در دفاع مقدس

* پذیرش رسمی قطعنامه 598 شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران (1367 ش) اشاره: یکی از دلایل واهی رژیم بعث عراق برای تجاوز به حریم نظام جمهوری اسلامی ایران، اختلاف بر سر مرزهایی است که در قرارداد 1975 الجزایر تعیین شده بود. پس از نزدیک به هشت سال جنگ نابرابر که تمام موجودیت رژیم بعث عراق در خطر قرار گرفت، آمریکا و دیگر متحدان و یاوران رژیم بعث عملاً وارد جنگ گردیدند و امام خمینی(ره)، با در نظر گرفتن مصالح عالی نظام اسلامی و با درک توطئه گسترده آمریکا و غرب برای سرکوب انقلاب اسلامی و مردم مسلمان و انقلابی ایران، پس از مشورت با فرماندهان عالی نظامی و مسئولان مملکتی، قطعنامه 598 شورای امنیت را پذیرفتند. شورای امنیت در این قطعنامه دو کشور ایران و عراق را به برقراری آتش‌بس و صلح دعوت کرده بود.

27 تیر در گذر تاریخ

* خودکشی «محمد ولی خان سپهدار تنکابنی» از سیاستمداران مشهور دوران مشروطه (1305ش) اشاره:

محمدولی خان خلعتبری معروف به سپهدار تنکابنی در حدود سال 1225 ش (1364 ق) در یکی از روستاهای اطراف تنکابن به دنیا آمد و پس از فراگیری دروس ابتدائی، وارد کارهای نظامی گردید. وی مراحل ترقی را به سرعت پیمود و در زمان مظفردالدین شاه، با تقدیم پیش‌کشی قابل ملاحظه‌ای، وزیر گمرک شد.

محمد ولی خان در طی سالیان متمادی پست‌های متعددی از قبیل حکمرانی گیلان، اردبیل و مشکین شهر را به عهده گرفت و از طرف مظفردالدین شاه، لقب سپهدار اعظم را دریافت کرد. وی همچنین مدتی حاکم تهران بود و بر آزادی‌خواهان خشونت زیادی روا داشت. سپهدار هنگام مشروطه از رجال مستبد و خودکامه به شمار می‌رفت و با آزادی و مشروطیت دشمنی داشت به طوری که با شنیدن نام مشروطه، حالش دگرگون می‌شد. وی که برای سرکوبی شورش آذربایجان راهی این خطه شده بود، وقتی که نتوانست کاری از پیش ببرد، راهی گیلان گردید و انجمن عدالت را تشکیل داد. سپهدار در حالی که در ابتدا از طرفداران محمدعلی شاه بود، پس از چندی قصد فتح تهران نمود و پس از فتح پایتخت و خلع پادشاه، شخص اول ایران شد. وی پس از مدتی صدر اعظم احمد شاه گردید و همزمان وزارت جنگ و داخله را بر عهده داشت. سپهدار پس از سه بار نخست‌وزیری و در حالی که لقب سپهسالار اعظم را هم یدک می‌کشید، مدتی والی آذربایجان بود تا اینکه در کودتای اسفند 1299 ش در زمره توقیف شدگان قرار گرفت و مدتی را در زندان گذراند. وی در سال‌های آخر عمر به عنوان یک رَجُل برجسته در مراسم‌ها حضور می‌یافت تا اینکه بابت مالیات املاک وسیع خود، مبلغ هنگفتی بدهکار شد. سپهدار که هرگز سختی ندیده و عمری زیر بار این حرف‌ها نرفته و کسی از او مطالبه مالیات نکرده بود، چون عرصه را بر خود تنگ دید در 27 تیر 1305 ش در هشتاد سالگی با اسلحه کمرباش خودکشی کرد و در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد. وی مردی بسیار متهور، تندخو، فاقد نظم و ترتیب، متعدي، خودراری، جاه طلب، لجوج و کینه‌توز و حریص در جمع آوری اموال به خصوص املاک، بوده است. سپهسالار، بزرگ‌ترین ملاک زمان خود بود و بیش از هزار نفر نوکر و سوار و خدمه داشت که همه از او تامین می‌شدند.

* تأسیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و آغاز هفته نیروی انتظامی (1369ش) اشاره: مسئله ادغام نیروهای انتظامی از طرف وزارت کشور و نمایندگان مجلس به منظور برقراری هرچه بهتر امنیت در داخل کشور و مرزها، جلوگیری از صرف هزینه‌های اضافی و تداخل وظایف، مسئولیت‌ها و مأموریت‌ها مشابه، مطرح و به طور جدی دنبال شد. سرانجام، قانون ادغام نیروهای انتظامی شامل شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی و پلیس قضایی در 27 تیرماه 1369 از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و در 2 مرداد 1369 به تصویب و تنفیذ شورای نگهبان رسید.

* ارتحال فقیه جلیل و عارف واصل آیت الله «سیدرضا بهاء‌الدینی» (1376 ش)

اشاره: آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی از 19 سالگی در حوزه درس آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی شرکت جست و در 25 سالگی اجازه اجتهاد گرفت. به مدت بیش از پنجاه سال، به تدریس و تربیت طلاب در حوزه علمیه قم مشغول شد. آیت‌الله بهاء‌الدینی، از نمونه‌های روحانیان زاهد و عامل بود؛ به نماز شب و رعایت جزئیات مسائل اخلاقی پایبندی بسیار داشت و از علاقمندان عالمان آزاده به شمار می‌رفت. ایشان به خواندن قرآن و ادعیه شوق فراوان داشت. به دفاع از حریم ایران اسلامی اهمیت فوق‌العاده می‌داد و به همین خاطر، علی‌رغم کهولت سن و رنج بیماری، چندین بار در زمان جنگ در جبهه‌ها حضور یافت. سرانجام این فقیه عارف پس از 89 سال زندگی زاهدانه، در بیست و هفتم تیرماه 1376 ش برابر با دوازدهم ربیع‌الاول 1418 ق در قم درگذشت و در مسجد بالاسر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

* رحلت عارف نامی شیخ «محمد بهاری همدانی» (1325 ق)

اشاره: آیت الله حاج شیخ محمد بهاری همدانی از عالمان بزرگ و عارفان مشهور قرن سیزده و چهاردهم هجری قمری در ایران است که به وارستگی، پارسایی، کمال علم و عمل و تأثیر نفس در تربیت شاگردان برجسته شهرت داشت. او که از جوانی، اهل عبادت و تهجد و ریاضات شرعی بود، در نجف به حلقه‌ی مریدان ملاحسینقلی همدانی درآمد و پس از فوت استاد، بسیاری از افراد، از وی کسب دستور سلوک می‌کردند. تعلیم و تدریس شیخ محمد به طور عمده، شفاهی بود و یک مجموعه به نام تذکره‌المتقین از آثار وی گردآوری شده است. این عالم ربانی و زاهد عارف، سرانجام در هفتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در بهار همدان به خاک سپرده شد.

* تولد حضرت یحیی بن زکریا (ع)

اشاره: حضرت یحیی (ع) پسر حضرت زکریا (ع) و از پیامبران بنی‌اسرائیل بود، و در قرآن کریم به نبوتش تصریح شده است. حضرت زکریا (ع) وقتی به سن پیری رسید، چون فرزندی نداشت و بیم داشت نبوت به دست ناهلان برسد، از خداوند خواست فرزندی به وی عطا کند تا وارث او و وارث آل یعقوب باشد. خداوند نیز حضرت یحیی (ع) را به وی ارزانی داشت. در کلام‌الله مجید، نام حضرت یحیی (ع) پنج بار آمده و چند فضیلت نیز برای او بیان شده است؛ ایمان وی به حضرت عیسی (ع)، پارسایی و عفت و ترک آمیزش با زنان و نیز اعطای مقام نبوت در کودکی از جمله ویژگی‌ها و فضیلت‌های حضرت یحیی (ع) می‌باشد که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است. در احادیث آمده است که حضرت یحیی (ع) در سه سالگی به مقام نبوت نائل شد و در پنج سالگی در جمع بنی‌اسرائیل سخن گفت و آنان را موعظه کرد. مادر وی خواهر یا خاله حضرت مریم سلام‌الله علیها بوده و خودش پسرخاله و تصدیق‌کننده حقانیت عیسی (ع) بود. از عبادت و زهد و دنیاگریزی و گریه‌های حضرت یحیی (ع) احادیث فراوانی رسیده است. نقل است که جامه‌اش از لیف - پوست درخت خرما - خوراکش از برگ درختان و نان جو، و فرش و بسترش زمین بود. خانه‌ای نداشت و وقتی شب فرا می‌رسید، هر جا که بود، همان جا می‌ماند و شب را به صبح می‌رساند. یحیی (ع) سرانجام به وسیله هرود پادشاه فلسطین به شهادت رسید. سبب قتل وی، مخالفتش با ازدواج غیرشرعی هرود با دختر همسرش بود. برخی مورخین نیز انگیزه قتل او را مخالفتش با ازدواج پادشاه با برادرزاده‌اش عنوان کرده‌اند. آرامگاه حضرت یحیی (ع) در مسجد جامع اموی می‌باشد که اکنون نیز اثر آن باقی است.

* درگذشت عالم وارسته آیت الله «شیخ علی خوئی» (1350 ق)

اشاره: شیخ علی بن علی رضا خوئی از علمای امامیه ی قرن چهاردهم هجری، در سال 1292 ق در شهرستان خوی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود به پایان رساند. آنگاه عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید و از محضر آخوند خراسانی و شیخ هادی تهرانی بهره برد. شیخ علی خوئی پس از مدتی، به آذربایجان مراجعت کرد و در ارومیه سکني گزید و مصدر خدمات فرهنگی گردید تا این که در سال 1350 ق در 58 سالگی در بندر شرفخانه رخ در نقاب خاک کشید. تشریح الصدور در 6 جلد، تعادل و ترجیح، عقد نکاح و عقدالفرید فی شرح القصاید از آثار اوست.